



شعله‌های خاموش



سما سادات میرعلی

کارشناسی زبان
و ادبیات عرب

تاریخ انقلابی که خواهان از بین بردنش بودند نه چیزی می‌دانستند و نه می‌خواستند که بدانند. ندای براندازی سر دادند، ندایی که آنقدر نحیف و پوچ و بی‌اساس بود که اوج دغدغه‌اش، اختلاط سلف دانشگاه، روابط آزاد و کشف حجاب بود. استفاده از تعبیر بی‌ارزش و پوچ به این علت است که فراخوان‌هایی را شاهد بودیم که به علت سرما، بارش برف، باران و آلودگی هوا لغو می‌شد. آن جماعت بی‌هویت می‌خواستند ما عوض شویم، می‌خواستند عوضی شویم، دیدند دل ما با آشوب و ناامنی نیست، دیدند کشورمان را محکم چسبیده‌ایم و براندازی در مرام و غیرت مردم ما نیست. مردمی که به قله‌ها نزدیک شده‌اند، برای رسیدن به قله از هیچ چیز و هیچ کس ابایی ندارند. معتقدین به "سایه‌ها" نمی‌توانند "آفتاب" را خاموش کنند...

عده‌ای به دست رسانه بودیم که با شعار زن، زندگی، آزادی سر و صدایی به راه انداختند که خیلی هم عجیب نبود. تبلیغات علیه ایران داستان امروز و دیروز نیست. مسلم است، انسان سطحی نگر به راحتی در دام بازی تبلیغاتی خواهد افتاد. اما قسمت عجیب ماجرا نقطه‌ای بود که پای قشر مهمی از جامعه یعنی دانشجویان به این داستان باز شد. دانشجویی که قشر نخبگانی جامعه را تشکیل می‌دهد، تعریف آزادی را تنها محدود به امیال جنسی و مسائل ناچیز و بی‌ارزش میدانست و با تعاریف کودکانه‌ای از آزادی، آزادی را به سخره گرفته بود. جماعتی که مدعای روشنفکری و انقلاب کردن بودند، بردگی تبلیغات باعث شده بود، برای انتخاب تاریخ اعتراض و اعتصابشان روزی را انتخاب کنند که ضد افکار و ماهیتشان بود. ۱۶ آذر، روز دانشجوی. روزی که دقیقاً ماهیتی در نقض افکار آنها داشت. ۱۶ آذر به علت استقامت و مقاومت دانشجویان علیه استبداد آمریکا و پهلوی، روز دانشجو نام گرفته است. بردگی تبلیغات انسان‌ها را آنقدر بی‌هویت می‌کند که بدون آنکه دلیل مسئله‌ای را بدانند، هم صدا با کسانی خواهند شد که عامل رقم خوردن ۱۶ آذر سال ۳۲ می‌شوند. دانشجویان سطحی‌نگری که حتی درباره

۱۶ آذر؛ جنبش ضد استکباری و ضد استعماری که با درخواست خونین رفت. تظاهرات دانشجویان در ۱۶ آذر سال ۳۲ به این دلیل بود که آن سه نفر دانشجو به خاک و خون غلطیدند. حدوداً چهار ماه بعد ۲۸ مرداد، یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد و آن اختناق عجیب ناگهان به وسیله دانشجویان در دانشگاه تهران انفجار در فضا و در محیط به وجود می‌آید. چرا؟ چون نیکسون که آن وقت معاون رئیس جمهور آمریکا بود به ایران آمد. به عنوان اعتراض به آمریکا، به عنوان اعتراض به نیکسون، که عامل کودتای ۲۸ مرداد بودند، این دانشجویها در محیط دانشگاه اعتصاب و تظاهرات می‌کنند که البته با سرکوب مواجه می‌شوند. و سه نفر آنها هم به شهادت می‌رسند حالا ۱۶ آذر در همه سال‌ها با این مختصات باید شناخته شود: ۱۶ آذر برای دانشجوی ضد نیکسون است، ضد آمریکاست، دانشجوی ضد سلطه است! (سیدعلی خامنه‌ای ۲۴/۰۹/۸۷) سال گذشته عده‌ای همه چیز را وارونه می‌پنداشتند، گویا اصلاً صدای استعمار به گوششان نمی‌رسید. بردگی را به اسم آزادی در دست و خانواده را به اسم زندگی نشانه گرفته بودند. در بلوای ۱۴۰۱ شاهد بلعیده شدن

تفاوت از زمین تا آسمان است.



زهرا غفورزاده

کارشناسی تاریخ

دانشجوی سطح اندیش که خود را آزادانه به بردگی پروپاگاندا درآورده بود. آینده این بلوا آن شد که نیروی پیشرونده ضد هژمونیک قدرت آمریکا در جبهه مقاومت با قدرت بیشتری پیشروی کرد. آبان و آذر ۱۴۰۱ تنش‌ها در دانشگاه درصدد نابودی حیثیت و محیط علمی و فرهنگی دانشگاه بود. اما این روزها در سالگرد تنش‌های سال گذشته نه تنها خبری از آشوب‌ها و درگیری‌ها نیست، بلکه فضای دانشگاه‌ها در حمایت از غزه

و عملیات طوفان الاقصی رنگ و بوی آزادی‌خواهی حقیقی و ضد استکباری به خود گرفته است. دیگر مسئله در دانشگاه مسائل سطحی مانند اختلاط سلف و کشف حجاب و... نیست. مسئله عمیق است. مسئله ریشه دوانده در استدلال است. دانشجویی که از فلسطین حمایت می‌کند، می‌داند که چرا فلسطین مهم است. می‌داند که چرا فلسطین مسأله اصلی جهان است. دانشجوی عمیق پی به مسئله عمیق می‌برد. فلسطین مسئله عمیق است.

ما قرار بود نباشیم. قرار بود در بلوایی که روز و ساعت آن مشخص بود مستهلک شویم و تا سرحد بلبشوی داخلی برویم، و آنگاه سرنگون شویم. اما ما درگیر رئالیتی شوهای خشن و تله تأثرهای خیابانی توحش‌آمیز نشدیم. قرار بود در دنیا منزوی شویم. قرار بود آنچنان چهره‌مان مخدوش شود که کسی میل توافق و ائتلاف با ما نداشته باشد. اما نیروی درونی ما آنچنان پایدار و مقاوم است که قدرت سخت جهانی را نرم و خاضع کرده است. ما نه تنها هستیم بلکه دست برتر را در اختیار داریم. علت داشتن دست برتر ما تفکر ژرف و قدرت مدیریتی ما است. ما درگیر توهم نشدیم. درگیر بی‌هویتی نیستیم. زمین بازی تبلیغاتی دشمن را گرم نکردیم. سال گذشته کف برخی دانشگاه‌ها با شعارهایی علیه زن، زندگی و آزادی حیثیت‌زدایی شد. گریبان حیثیت دانشگاه را دانشجویان متوهم بی‌هویتی گرفتند که برای مسئله‌ای فریاد می‌زدند که نمی‌دانستند دقیقاً چیست. زمانی که مورد سوال قرار می‌گرفتند تنها جوابی که می‌دادند، الفاظ رکیک جنسی بود. مسئله را نمی‌دانستند که بخواهند با استدلال آن را تبیین کنند. دانشجوی

دیدنو در صفحات مجازی

کانال تلگرام:

@didenno_SBU

کانال تلگرام انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی:

@AnjomanEslami_SBU

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسئول: علیرضا حکمت

سردبیر: زهرا غفورزاده

صفحه آرا: مهدی نصرتی

هیئت تحریریه: سما سادات میرعلی، زهرا غفورزاده



انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
(صوبه قزوین)